

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل و بررسی رویکردهای بین‌الادیانی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر

y.a.g@chmail.ir

✽ یاسر ابوزاده کتابی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✽

محمدحسین طاهری آکردی / استادیار گروه ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✽

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

چکیده

جنبش آخرازمانی پنطیکاستی پس از شکل‌گیری در ابتدای قرن بیستم، به امید بازگشت قریب‌الوقوع مسیح، به امر تبشیر در میان پیروان ادیان مختلف روی آورد. پنطیکاستی‌ها در مواجهه با برخی از ادیان، همچون یهودیت، با توجه به اشتراکاتی که میان آنها در بحث ماسیح و عهد عتیق وجود دارد، سیاست تعامل و دوستی را در پیش گرفتند و در مواجهه با ادیانی همچون اسلام، که سیاست‌های تعاملی در میان پیروان آن ادیان اثرگذار نبود، از رویکرد تهاجمی و تخاصمی استفاده کردند. در دنیای مسیحیت نیز با توجه به کشمکش‌ها و اختلافاتی که میان پنطیکاستی‌ها و سایر فرقه‌های مسیحی - به‌ویژه کاتولیک‌ها - وجود داشت، در نهایت پس از برگزاری چندین دوره نشست، در زمینه تأسیس کلیسای جامع مسیحی قبل از ظهور مجدد مسیح، به تعاملاتی دست یافتند. این پژوهش با بررسی منابع معتبر پنطیکاستی و با روش توصیفی تحلیلی به بررسی مهم‌ترین رویکردهای بین‌الادیانی پنطیکاستی‌ها در حوزه تبشیر می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: جنبش پنطیکاستی، تبشیر، رویکردهای بین‌الادیانی، تعامل، تخاصم.

جنبش نوظهور پنطیکاستی یکی از فرقه‌های مسیحیت پروتستان است که در ابتدای قرن بیستم و در پی حوادث خیابان آزوسای لس آنجلس آمریکا به‌وقوع پیوست (لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۱۱). جنبش پنطیکاستی با این شعار که ما اکنون در عصر و زمانه روح‌القدس زندگی می‌کنیم، ایمان‌داران پنطیکاستی را دعوت می‌کند تا با خواندن دعا و انجام عبادات کلیسایی، زمینه‌های دریافت روح‌القدس و کسب عطایای روح‌القدسی را در خود ایجاد کنند (اندرسون، ۲۰۰۴، ص ۲۳۴)؛ چراکه از نگاه پنطیکاستی‌ها، ظهور مجدد عطایا در قرن حاضر، پس از دو هزار سال فترت، نشانه‌ای از نزدیک شدن آخرالزمان و عصر ظهور مسیح قلمداد می‌شد (هوس، ۲۰۰۶، ص ۱۲۵). از این‌رو پنطیکاستی‌های اولیه پس از مشاهده عطایا و به‌امید بازگشت قریب‌الوقوع مسیح، به اقصا نقاط عالم سفر کردند و به تبشیر آخرالزمانی روی آوردند. با توجه به اینکه امروزه جنبش پنطیکاستی، پس از مسیحیت کاتولیک، پرطرفدارترین گروه مسیحی در عالم محسوب می‌شود (لیاردن، ۲۰۰۶، ص ۱۳) و تا کنون در حوزه رویکردهای بین‌الادیانی آنها در حوزه تبشیر کار مدونی صورت نگرفته، این نوشتار درصدد است تا با بررسی منابع پنطیکاستی، اصلی‌ترین رویکردهای بین‌الادیانی پنطیکاستی‌ها را در مواجهه با دیگر ادیان و فرقه‌های مسیحی احصا و تحلیل کند.

۱. رویکردهای بین‌الادیانی

پنطیکاستی‌ها در مواجهه با دیگر کلیساهای مسیحی، اعم از کاتولیک، پروتستان، ارتدکس و همچنین در مواجهه با سایر ادیان - ترجیحاً ادیان ابراهیمی یهودیت و اسلام - از رویکردهای خصمانه و تعاملی، به‌تناسب استفاده کرده‌اند. بنابراین این دو رویکرد اساسی پنطیکاستی، در این قسمت تحلیل و بررسی می‌شود. از این‌رو مراد از رویکرد بین‌الادیانی در این نوشتار، همان بررسی رویه و سیاست تعاملی و تقابلی پنطیکاستی‌ها در موضوع تبشیر و در مواجهه با دیگر فرقه‌های مسیحی و سایر ادیان است.

۱-۱. تعامل و هم‌گرایی با کلیسای کاتولیک

یکی از نکات جالب قرن بیستم، گفت‌وگوهای رسمی است که میان پنطیکاستی‌ها و کلیسای کاتولیک رومی به‌وقوع پیوسته است. تا کنون دست‌کم پنج دور گفت‌وگو میان آنها صورت گرفته؛ لیکن شایسته است قبل از بررسی اجمالی مفاد این مذاکرات، عواملی را که به شکل‌گیری این گفت‌وگوها انجامید، ذکر کرد:

۱. هم‌زمان با شکل‌گیری جنبش پنطیکاستی و شروع فعالیت‌های تبشیری‌شان در اوایل دهه ۱۹۹۰م، بسیاری از کلیساهای رسمی در قبال این جنبش موضع گرفتند و عکس‌العمل نشان دادند. علت این امر را می‌توان موارد ذیل دانست:

الف) رویکرد تهاجمی پنطیکاستی‌ها در امر تبشیر: بسیاری از پنطیکاستی‌ها به‌طور تهاجمی به‌دنبال جذب آن‌دسته از کاتولیک‌هایی می‌رفتند که به‌ظاهر مسیحی و تعمیدیافته بودند؛ لیکن در هیچ یک از فعالیت‌های

کلیسایی مشارکت نمی‌کردند. کاتولیک‌ها چنین کارهایی را غیرمنصفانه قلمداد می‌کردند؛ زیرا این نوع تبلیغ سبب شد تا در منطقهٔ آمریکای لاتین حدود ۷۵ درصد از کاتولیک‌ها به پنطیکاستی‌ها پیوستند. روزانه حدود هشت تا ده هزار نفر کاتولیک کلیساهای خود را رها می‌کردند و به کلیسای پنطیکاستی ملحق می‌شدند (اسمیت، ۱۹۹۸، ص ۲). بنا بر آنچه هاروی کاکس نقل کرده است، در جلسات یکشنبهٔ کلیساهای پنطیکاستی، اغلب حاضران در جلسه از کاتولیک‌ها بودند (کاکس، ۲۰۰۱، ص ۱۶۸).

ب) اختلاف با کاتولیک‌ها در موضوعات الهیاتی: همانند اختلاف در ماهیت کلیسا، نقش سنت، تفاوت در تبلیغ مسیحیت و مسائلی از این قبیل، واکنش‌هایی را از سوی کاتولیک‌ها در پی داشت (راسچ، ۲۰۱۱، ص ۹۳۹).

ج) اقدامات تبعیض‌آمیز کاتولیک‌ها: کاتولیک‌ها از پنطیکاستی‌ها مالیات دریافت می‌کردند. مؤسسات رسمی کشورها جایگاه ویژه‌ای برای کاتولیک‌ها قائل بودند؛ تدریس اخلاق و عقاید کاتولیکی در مدارس عمومی قانونی بود؛ لیکن برای پنطیکاستی‌ها چنین حقوق و امتیازاتی وجود نداشت (همان، ص ۹۳۸).

د) منحرف اعلام شدن از سوی کاتولیک‌ها: کاتولیک‌ها جنبش پنطیکاستی را فرقه‌ای انحرافی معرفی می‌کردند و آنها را به تبلیغ حزبی متهم می‌نمودند. کاتولیک‌ها ادعا می‌کردند که پنطیکاستی‌ها از دولت ایالات متحده پول دریافت می‌کنند تا مؤمنان کاتولیکی را به جنبش پنطیکاستی ملحق کنند؛ چراکه طبق آمارها، سالانه جمعیتی بالغ بر ششصد هزار نفر از کاتولیک‌ها پنطیکاستی می‌شدند. از این رو *پاپ ژان پل دوم* یکی از افرادی است که بر انحرافی بودن آنها - برخی از فرقه‌های تندرو پنطیکاستی - تأکید کرده است. او در چهارمین کنفرانس عمومی شبان‌ها در آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۲م، پنطیکاستی‌ها را تلویحاً فرقه‌ای معرفی کرد که همانند گرگ‌های درنده‌خو کاتولیک‌های آمریکای لاتین را می‌بلعد (همان، ص ۹۳۸).

ه) مسیحی حقیقی نبودن کاتولیک‌ها از نگاه پنطیکاستی‌ها: بیشتر پنطیکاستی‌ها برای شناساندن کاتولیک‌ها به‌عنوان مسیحی بی‌میل‌اند؛ چراکه ادعا می‌کنند بر اساس آنچه در کتاب *مکاشفه* آمده و از رومیان بدگویی شده است، کاتولیک‌ها مرتدند و آنها را متهم به توحید (و نه تثلیث) کرده، حتی در برخی موارد آنها را بت‌پرست قلمداد می‌کنند. آنها معتقدند که واتیکان تعالیمی غیر کتاب مقدسی و خرافه‌ارائه می‌کند. تعابیر زنده‌ای همانند فاحشه، زناکار و فاحشه‌خانه بودن واتیکان، از دیگر اتهاماتی است که برخی پنطیکاستی‌ها به کاتولیک‌ها روا می‌داشته و می‌دارند (همان، ص ۹۳۷).

۲. رؤیای پنطیکاستی‌ها در مسیحی کردن همهٔ مردم جهان و تشکیل کلیسای بزرگ (عام) مسیح قبل از ظهور ثانویهٔ مسیح. یکی از بهترین راه‌ها برای تحقق هرچه سریع‌تر این امر، اتحاد همهٔ مسیحیان دنیاست (همان، ص ۹۴۴).

توجه به این دو نکته و وجود مشترکاتی چند در میان پنطیکاستی‌ها و کاتولیک‌ها، سبب شد تا افرادی همانند دو پلسیس (Dave J. du Plessis) به فکر ایجاد رابطه با کاتولیک‌ها بیفتند. آشنایی دو پلسیس و پدر کیلیان مک دانل (Kilian McDonnell) - الهیدان کاتولیکی - در سال ۱۹۶۴م، مقدمات آغاز گفت‌وگو را فراهم کرد (همان، ص ۹۴۵).

رئیس دبیرخانهٔ ترویج اتحاد مسیحیت کلیسای واتیکان، کاردینال جان ویلبرانت (John Wilbrant)، معتقد بود که باید با کلیساهای غیر کاتولیکی که هیچ‌گونه ارتباطی، اجتماعات جهانی ندارند، تعامل صورت گیرد. از این رو در پاسخ به نامه‌ای که دو پلسیس در ژانویهٔ ۱۹۷۰م تنظیم نمود و طی آن درخواست برگزاری گفت‌وگو را مطرح کرد، موافقت نمود. بعد از چند دور نشست و تأسیس کمیتهٔ رهبری، هر دو طرف خود را ملزم به برگزاری یک گفت‌وگو کردند. رهبران این همکاری، پدر مک دانل از طرف کاتولیک‌ها و دو پلسیس از سوی پنطیکاستی‌ها انتخاب شدند. تیمی نه‌نفره از هر دو طرف (پنطیکاستی‌ها شامل پنطیکاستی‌های کلاسیک و کاریزماتیک‌ها می‌شدند) طی چند دورهٔ پنج‌ساله دیدارهایی با یکدیگر داشتند. اجمالی از مهم‌ترین مباحث هر دوره، به تفکیک در ذیل می‌آید (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۳۳-۱۲۹؛ همچنین رک: کرک دینن، ۲۰۰۱؛ وارینگتون، ۲۰۰۹؛ جامبرک، ۲۰۱۶).

۱-۱-۱. اولین دورهٔ پنج‌ساله (۱۹۷۲-۱۹۷۶م)

اولین دور گفت‌وگوها، برای ایجاد اعتماد و فهم دوجانبه صورت پذیرفته است. بحث‌ها در این دور بیشتر حول پدیدهٔ جنبش پنطیکاستی بوده است؛ پدیده‌ای که انصافاً برای بسیاری از اعضای گروه کاتولیکی ناآشنا بود. موضوعاتی که بررسی شدند، شامل مباحثی همچون دعا و عبادت، تبلیغ مسیحیت، شهادت عام، رابطهٔ تعمید روح‌القدس با آغاز مسیحیت، عطایای روحانی در سنت عرفانی، و زندگی کشیشی و رسوم مذهبی فرقه‌های کاریزماتیک بوده است.

۱-۱-۲. دومین دورهٔ پنج‌ساله (۱۹۷۷-۱۹۸۲م)

کاردینال ویلبرانت اجازهٔ برگزاری دومین دور گفت‌وگوها را در سال ۱۹۷۶م صادر کرد. در ابتدای دومین مرحلهٔ مذاکرات، تغییری اساسی در مذاکره صورت گرفت. از آن جایی که در اولین دور مذاکرات، پنطیکاستی‌ها از هر دو گروه پنطیکاستی‌های کلاسیک و اعضای از جنبش کاریزماتیک - آنهایی که مربوط به کلیساهای تاریخی، همانند لوتری، ارتدکس، پرسبیتریان و... بودند - حضور داشتند، در سال ۱۹۷۶م تنها آنهایی در دیالوگ با کاتولیک‌ها شرکت کردند که از اعضای فرقه‌های پنطیکاستی کلاسیک بوده‌اند. این تصمیم به سه علت گرفته شد: از طرفی پنطیکاستی‌ها می‌خواستند که بیشتر فرقه‌هایشان در مذاکره سهیم باشند؛ به‌علاوه کاتولیک‌ها پیش از این، گفت‌وگوهای رسمی دیگری با بیشتر کلیساهای تاریخی - که کاریزماتیک‌ها نیز در آن مشارکت می‌کردند - داشتند؛ و از همه مهم‌تر، این پاپ بود که اصرار داشت این دور از گفت‌وگوها به‌صورت دوطرفه باشد. کاتولیک‌ها تمایل داشتند - به‌جای دیدار با نمایندگان حجم وسیعی از گروه‌ها - با آن کلیساهایی که در سطح دنیا در حال گسترش بودند، تعامل داشته باشند.

گفت‌وگوهای خوبی در دور دوم صورت گرفت؛ اما بدون چالش نبوده است. یکی از چالش‌ها تعدد موضوعاتی بوده است که از سوی محققان ارائه شد؛ به‌گونه‌ای که در این دوره شانزده سند متفاوت در موضوعات تجربه، تکلم به زبان‌ها، هرمنوتیک، مریم مقدس، شفا، سنت، و کلیسا به‌عنوان یک جامعه وجود داشت. در نهایت، نتیجه این مرحله از گفت‌وگوها این شد که کمیته رهبری در مذاکرات سال‌های آینده، تمرکز را بر مسائل کلیدی قرار دهد.

۳-۱- سومین دور گفت‌وگوها (۱۹۸۵-۱۹۸۹م)

قبل از شروع این دور از گفت‌وگوها، کمیته رهبری با استعفای دو پلیس سالخورده موافقت کرد؛ کسی که رئیس گروه پنطیکاستی بود و جایگاه خود را به برادر کوچکترش جاستوس (Justus) داد. مک دانیل نیز استعفا داد؛ ولی قانع شد تا این دوره نیز به‌عنوان رئیس باقی بماند. جاستوس از سال ۱۹۷۴م در کمیته رهبری حضور داشت و در مذاکرات مشارکت می‌کرد. با ورود او، تیم مذاکره‌کننده از هر دو طرف تغییر کرد و اعضای جدیدی به این مذاکرات وارد شدند. در این دور، فرقه‌های پنطیکاستی‌ای که تا آن هنگام در مذاکرات حضور نداشتند، همانند کلیسای خدا (کلیولند، تنسی)، کلیسای خدای پیشگو، کلیسای بین‌المللی انجیل چهارگوشه، جماعت ربانی‌های مستقل بین‌المللی، کلیسای بین‌المللی انجیلی، کلیسای تبشیر ایمان رسولی آفریقای جنوبی، و کلیسای رسولی ایمان به عیسی مسیح (مکزیک)، و پنطیکاستی‌های انگلستان، هلند و سوئد، ابراز تمایل نشان دادند تا نمایندگانی از سوی خود در مذاکرات داشته باشند.

موضوع کلی دور سوم مذاکرات، اتحاد و ارتباط مسیحیان بوده است. از این رو موضوعات مرتبط با این بحث، ارتباط قدیسان در سال ۱۹۸۵م، روح‌القدس و دیدگاه عهد جدید درباره ارتباط مسیحیان در سال ۱۹۸۶م، کلیسا و آیین دینی در سال ۱۹۸۷م، و ارتباط مسیحیان و تعمید در سال ۱۹۸۹م مورد بحث قرار گرفت. گزارش نهایی این دوره، در سال ۱۹۹۰م در بسیاری از نشریات معتبر مسیحی به چاپ رسید.

۴-۱- چهارمین دور گفت‌وگوها (۱۹۹۰-۱۹۹۷م)

موضوع منتخب این دور از گفت‌وگوها، تبلیغ مسیحیت، تبلیغ فرقه‌ای و شهادت عام بوده است. در سال ۱۹۹۰م موضوع تاریخ تبشیر و تبلیغ مسیحیت در میان دو سنت پنطیکاستی و کاتولیکی بررسی شد. در سال ۱۹۹۱م موضوع مبانی تبلیغ سیستماتیک و کتاب مقدسی، در سال ۱۹۹۲م بحث بر سر مسئله ارتباط میان تبلیغ مسیحیت و فرهنگ، در سال ۱۹۹۳م تبلیغ مسیحیت و عدالت اجتماعی، در سال ۱۹۹۴م تبلیغ مسیحیت و تبلیغ فرقه‌ای، و در سال ۱۹۹۵م امکان برای شهادت عام، موضوع مذاکرات بوده است. سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷م گزارش نهایی این دور از مذاکرات تهیه شد. با توجه به اهمیت مباحث این دور از مذاکرات، در بحثی مستقل مهم‌ترین مفاد آن بررسی خواهد شد.

۱-۱-۵. پنجمین دور گفت‌وگوها (۱۹۹۸-۲۰۰۴م)

مباحثی که در دور چهارم، حول تفاوت میان تبلیغ مسیحیت و تبلیغ فرقه‌ای مطرح شد، مباحث کلیدی حل‌نشده‌ای را میان دو طرف باقی گذاشت. مباحثی همچون: چه کسی را باید مسیحی قلمداد کرد تا دیگر نیاز نباشد برای جذب او تبلیغی صورت گیرد؟ اینکه شخصی خود را مسیحی می‌داند، به چه معناست؟ این سؤال و دیگر سؤالات مرتبط با این مسئله، موضوعات فاز پنجم را حول محور مسیحی بودن، با تمرکز ویژه بر روی منابع کتاب مقدسی و پدران کلیسایی، تشکیل داد. مباحثی که در این دور ارائه شد، عبارت‌اند از: بررسی ابتدای مسیحیت و تعمید در روح‌القدس (۱۹۹۸م)، ایمان و شروع مسیحیت (۱۹۹۹م)، تغییر کیش و آغاز مسیحیت (۲۰۰۰م)، تجربه مسیحی در جامعه (۲۰۰۱م)، تعالیم مذهبی شفاهی و ساختار جامعه (۲۰۰۲م). در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴م گزارش نهایی تدوین و در سال ۲۰۰۵م آماده چاپ شد.

همان‌گونه که اشاره شد، چهارمین دور مذاکرات حول مسئله تبشیر و تبلیغ بوده است. دلیل انتخاب موضوع تبشیر برای این دوره از مذاکرات، به علت وجود تنش‌هایی پیرامون این مسئله میان کاتولیک‌ها و پنطیکاستی‌ها بوده است. از این رو تمرکز بر این موضوع بدهی است. گرچه هدف از این مذاکرات، اتحاد سازمانی نبوده است، لیکن دو طرف با هدف پرورش احترام متقابل و به‌انگیزه اتحاد هرچه بیشتر مسیحیان - یا دغدغه داشتن کلیسای واحد - در گفت‌وگو مشارکت کردند (کرک‌دینن، ۲۰۰۱، ص ۱۸).

در گزارش نهایی این دور آمده است که هم کاتولیک‌ها و هم پنطیکاستی‌ها معتقدند کلیسا ماهیتی میسیونری دارد و تبشیر برای خدا، راهی مقدس محسوب می‌شود و اصلی است که هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید بدان اشاره شده است. از طرفی، از آنجایی که تجسد پسر خدا الهام بی‌ظنیر خداوند در روی زمین است، در قلب تبلیغ مسیحیت، شخص مسیح قرار دارد و مضمون پیام نجات - پیامی که باید از طریق تبشیر منتقل شود - شخص عیسی مسیح است، به‌عنوان راهی برای آشتی با خدای پدر. روح‌القدس نیز محرک اولیه در تبلیغ مسیحیت و نجات محسوب می‌شود (همان).

توجه به فرهنگ و تاریخ دینی اقوام و ملت‌هایی که مورد تبشیر قرار می‌گیرند، یکی دیگر از نکات مهمی است که در گزارش نهایی بر آن تأکید شده است. در نتیجه، افزایش تبلیغ و آشنایی با سیاق‌های فرهنگی جامعه هدف سبب می‌شود تا در مواجهه با مشکلات اجتماعی و مسائلی همانند پلورالیسم، رشد سکولاریسم و برقراری عدالت اجتماعی، راهکارهای مناسب انتخاب و به‌کار گرفته شود (همان).

مسئله دیگری که در گزارش نهایی بر آن تأکید شده، تفاوت میان تبلیغ صحیح و تبلیغ فرقه‌ای است. موعظه خالصانه انجیل که از طریق تبلیغ صحیح صورت می‌گیرد، مورد توافق هر دو طرف قرار گرفت؛ ولی تبلیغ فرقه‌ای فعالیتی غیراخلاقی معرفی شد. هنگامی که یک کاتولیک از روی اراده و میل شخصی اش کلیسای کاتولیک را رها

می‌کند و به پنطیکاستی‌ها ملحق می‌شود، این تغییر تحت تبلیغ فرقه‌ای قرار نمی‌گیرد؛ لیکن مصادیق فرقه‌ای را می‌توان در موارد زیر یافت (همان):

- ✓ تمام راه‌های ترویج ایمان جامعه خودمان که عقلاً تقلب‌آمیز و غیرصادقانه است؛ همانند ایدئال نشان دادن جامعه‌مان در مقابل ضعیف نشان دادن دیگر جوامع مسیحی؛
- ✓ هر گونه تفسیر غلط خودسرانه اعتقادات و اعمال دیگر جوامع مسیحی؛
- ✓ هر گونه اجبار، تهدید و اضطراب، استهزا یا ارباب شخصی، روان‌شناسی، جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی یا سیاسی و ...

در جمع‌بندی این بخش می‌توان به این نکات اشاره کرد:

۱. برگزاری این پنج دوره مذاکره سبب شد تا کلیسای کاتولیک، پنطیکاستی‌ها را به رسمیت بشناسد؛
۲. تمرینی واقعی برای اتحاد میان فرقه‌های مسیحی صورت گیرد؛
۳. گفت‌وگوهای محلی و منطقه‌ای متعددی بین رهبران فرقه‌های مختلف پنطیکاستی برقرار شد؛
۴. اهتمام به تبلیغ مسیحیت و احداث کلیسای عام مسیحی مورد تأکید واقع شد.

۲-۱. تعامل و هم‌گرایی با کلیساهای غیرکاتولیکی

در ابتدای قرن بیستم، تعامل پنطیکاستی‌ها با دیگر کلیساهای پروتستانی، در سطح بسیار پایینی بوده است و در واقع پنطیکاستی‌ها - تقریباً تا دهه ۱۹۴۰م - هیچ‌گونه رابطه مثبتی با دیگر کلیساهای نداشتند. علت‌های این امر را می‌توان موارد ذیل دانست (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۲۹-۳۳۰):

۱. رویکرد تهاجمی که پنطیکاستی‌های اولیه داشتند؛ از نظر پنطیکاستی‌ها، حتی آنهایی که قبلاً در کلیساهای دیگر تعمیم شده بودند، مسیحی واقعی شمرده نمی‌شدند. از این رو با ضعیف نشان دادن و حمله به الهیات و مناسک آنها، مؤمنان آنها را به سوی خود جذب می‌کردند. همین امر موجب می‌شد تا آن کلیساهای جنبش پنطیکاستی را فرقه‌ای انحرافی قلمداد کنند که درصد به بیراهه کشاندن پیروانشان هستند.
۲. ادعای پنطیکاستی‌ها مبنی بر اینکه تعمیم توسط روح‌القدس - مدت‌ها و پس از عصر رسولان - تنها در کلیسای آنها صورت گرفته، سبب می‌شد تا فقط خود را مسیحی حقیقی تلقی کنند و دیگران را نادیده بگیرند و نسبت به دیگران از رویکرد تهاجمی ورود پیدا کنند.

لیکن هرچه به پایان قرن بیستم نزدیک‌تر می‌شد - به‌ویژه پس از شکل‌گیری جنبش کاریزماتیک، پنطیکاستی‌ها به برقراری رابطه با دیگر کلیساهای ترغیب می‌شدند. البته کاریزماتیک‌ها نیز در ابتدای شکل‌گیری این جنبش - به علت اینکه نمی‌توانستند به یک‌باره کلیساهای قدیمی‌شان را ترک کنند - از سوی پنطیکاستی‌ها طرد

شدند؛ ولی در ادامه توانستند نظر مثبت پنتیکاستی‌ها را به‌سوی خود جلب کنند و به جلسات میان‌فرقه‌ای پنتیکاستی‌ها دعوت شوند.

اولین جرعه‌های ارتباط با سایر کلیساهای، در دهه ۱۹۴۰م اتفاق افتاد؛ زمانی که چند نفر از فرقه‌های پنتیکاستی دعوت شدند تا در سازمانی جدید به‌نام انجمن ملی انجیلی‌ها (National Association of Evangelicals) عضو شوند. حضور پنتیکاستی‌ها در این انجمن به‌معنای آغاز احترام متقابل بود. در سال‌های بعد، پنتیکاستی‌ها به‌عنوان رئیس این سازمان انتخاب شدند و امروزه بیشتر اعضای این سازمان را فرقه‌های متعدد پنتیکاستی تشکیل می‌دهند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۳۱).

امروزه پنتیکاستی‌ها با فرقه‌ها و سازمان‌های متعددی در ارتباط‌اند و در سازمان‌های مختلفی حضور دارند. انجمن گفت‌وگوهای جهانی کلیساهای اصلاح‌شده (World Alliance of Reformed Churches) توسط پنتیکاستی‌ها در سال ۱۹۹۶م به‌وجود آمد. در سال ۲۰۰۹م با کلیسای لوتری به گفت‌وگو نشستند. از اهداف آینده پنتیکاستی‌ها، برنامه‌ریزی برای برقراری رابطه و ایجاد گفت‌وگو با کلیسای ارتدکس است (راسج، ۲۰۱۰، ص ۹۴۶).

۳-۱. تعامل و همگرایی با غیر مسیحیت

در این قسمت با توجه به اینکه در خصوص ارتباط پنتیکاستی‌ها و ادیان غیرابراهیمی مطلبی مشاهده نشد، فقط به نوع رویکرد پنتیکاستی‌ها در قبال مسلمانان و یهودیان پرداخته می‌شود. البته به‌نظر می‌رسد، از آنجایی که تبلیغ مسیحیت در میان ادیان دیگر، غالباً در مناطق جنوب شرق آسیا، با مشکلی مواجه نشد، پنتیکاستی‌ها آزادانه در این سرزمین‌ها به تبشیر می‌پرداختند.

۳-۱-۱. تقابل با دنیای اسلام

با توجه به اشتراکاتی که میان اسلام و مسیحیت وجود دارد، پنتیکاستی‌ها در ابتدا گمان می‌کردند که امکان پل زدن و ایجاد ارتباط با دنیای اسلام با مشکلی مواجه نخواهد شد و معنویت پنتیکاستی مورد پذیرش مسلمانان واقع خواهد شد. از جمله این اشتراکات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) اشتراکات الهیاتی: همانند اتحاد در اعتقاد به خدا، اعتقاد به وحی، پیامبران، قضاوت و عدالت خداوند، بهشت و جهنم، نقش ایمان در زندگی فردی و اعتقاد به زندگی اجتماعی. جهان‌بینی اسلامی کل‌نگر است؛ بدین معنا که در الهیات اسلامی همه مخلوقات تحت تسلط الله هستند. زندگی بشر هدفی دارد و در ارتباط با مذهب و نمادهای دینی است و در نهایت به زندگی اخروی منتهی می‌شود. در مقابل، ایمان مسیحی نیز شمول‌گراست؛ بدین معنا که از نگاه پنتیکاستی‌ها، مسیح منجی، شفابخش، تعمیددهنده در روح‌القدس و پادشاهی است که در آینده خواهد آمد؛ او پادشاه این جهان و جهان دیگر است و میان بعد معنوی اجتماعی و مادی زندگی ارتباط برقرار می‌سازد (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۶۴).

ب) اشتراک در روئیه دینی و عمل: از طرفی، هم مسلمانان و هم پنطیکاستی‌ها ذاتاً ادیبانی تبلیغی‌اند (همان، ص ۲۶۵). وظیفه هر مسلمانی است که اسلام را اشاعه دهد و همه را تحت قانون خدا (شریعت) درآورد. پنطیکاستی‌ها نیز به تبشیر پرداخته‌اند، با این پیام که مسیح گناهان آنها را - در پایان جهان و در بازگشت مجدد - خواهد بخشید. البته در مسیحیت، تأثیرگذاری خداوند به واسطه شریعت یا محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی نیست؛ بلکه به واسطه حضور قدرتمند و رهبرگونه روح عیسی مسیح است (ر.ک: اعمال رسولان ۱-۱۱، ۲۶). از سوی دیگر، مسلمانان به نشانه‌های فراطبیعی، همانند شفا - برای درمان بیماری، رهایی از دست ارواح شرور، رهایی از بدبختی - اعتقاد دارند و صوفی‌گری با هدف عشق به خداوند در سنت، شعر و موسیقی اسلامی رسوخ کرده است. در طرف مقابل، اعتقاد به نشانه‌ها و شگفتی‌ها و در واقع حضور قدرتمند و پررنگ روح‌القدس در زندگی پنطیکاستی‌ها، نشان از عشق مسیح به بندگان مؤمنش دارد (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۶۴).

با توجه به این اشتراکات مذهبی، پنطیکاستی‌ها از همان دهه‌های ابتدایی جنبش، تقریباً در دهه ۱۹۳۰م، وارد دنیای اسلام شدند؛ ولی از آن‌رو که اطلاعات آنها درباره مسلمانان و جامعه اسلامی چندان زیاد نبود و از فرهنگ جامعه اسلامی و تعصبات مسلمانان آگاهی نداشتند و از طرفی نیز استراتژی تبشیری مشخصی نداشتند، نه تنها مسلمانان، بلکه حتی کلیساهای مسیحی‌ای که در بلاد اسلامی وجود داشتند، از ورود آنها استقبال نکردند و در پنجاه سال اول ورود به دنیای اسلام موفق نبوده‌اند. از این‌رو در این سال‌ها آنها بیشتر بر روی غیرمسلمانان و مؤمنانی که سابقه مسیحی بودن داشتند، تمرکز کردند. پنطیکاستی‌ها می‌پنداشتند که تبشیر در میان اقلیت‌های مسیحی می‌تواند منجر به تبلیغ در میان مسلمانان شود. البته آنها در کنار تبلیغ در میان مسیحیان، در منطقه خاورمیانه و در کشورهایی همانند فلسطین، مصر، سوریه، لبنان و ایران، با تأسیس مدارس و یتیم‌خانه‌ها، و پخش متون انجیل، و دیدار از زندان‌ها - البته به صورت محدود - از امر تبلیغ غافل نشدند (همان، ص ۲۶۴-۲۶۵).

در مجموع، آنها با وجود موفقیت‌هایی در میان غیرمسلمانان، در تبلیغ میان مسلمانان موفق نبوده‌اند و حتی کلیساهای ملی آنها را نادیده می‌گرفتند.

پس از پنجاه سال از عدم موفقیت پنطیکاستی‌ها در جوامع اسلامی، پنطیکاستی‌ها با تغییر و ترمیم رویکردهای تبشیری در دهه‌های ۱۹۸۰م و ۱۹۹۰م بر شدت فعالیت‌های تبشیری خود افزودند (همان، ص ۲۶۵). از جمله این رویکردها و استراتژی‌های تبشیری، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک - ایجاد مرکزی جهت تبشیر در میان مسلمانان: در سال ۱۹۸۲م دیوید/ایروین (David Irwin) مرکزی را برای تبلیغ مسیحیت در میان مسلمانان تأسیس کرد. اساس کار این مرکز، بر روی نمازگزاران نماز جمعه بوده است. در این روز، پنطیکاستی‌ها در اجتماعات مسلمانان حضور می‌یافتند و از آنها برای حضور در جلسات شفا دعوت به عمل می‌آوردند. ابتکار دیگر این مرکز، توزیع و چاپ متون تبلیغی بوده است. برگزاری تورهای مسافرتی، برگزاری

جلسات توجیهی برای میسیونرها و شبان‌های رسمی و مدارس کتاب‌مقدسی، و تلاش‌هایی برای کمک به کلیساها در جهت فهم اسلام، از جمله اقدامات این مرکز بوده است (همان، ص ۲۶۶).

دو - همکاری با سایر کلیساها: پنطیکاستی‌ها به‌منظور پیشبرد اهدافشان، با مکاتبه با کشیشان فرقه‌های دیگر به همکاری با کلیساهای رسمی که در مناطق اسلامی وجود دارند، روی آوردند (همان، ص ۲۶۵).

سه - معرفی اسلام به‌عنوان شیطان: برخی از پنطیکاستی‌ها مسلمانان را بخشی از امپراتوری شیطان معرفی می‌کنند: «ما هنوز درهای دژ اسلام را ضربه می‌زنیم... قصد مقدس ما این است که مأموریت بزرگی که پادشاه ما - مسیح - به گردن ما انداخته، انجام دهیم؛ به اینکه به دژ شیطان حمله کنیم». از نگاه بونکه (Bonke)، برای غلبه بر مسلمانان باید تمام مساجد آفریقا را در کوتاه‌ترین زمان ممکن از بین برد و حذف کرد. این حذف از طریق مسیحی‌سازی قابل دستیابی است، که در نهایت به نابودی فرهنگی آنها منجر می‌شود (گینفورد، ۱۹۹۲، ص ۱۷۱).

چهار - مظلوم‌نمایی: رشد سریع کلیسا در مناطق اسلامی، بدون وجود تعقیب، آزار و محدودیت آزادی مذهبی میسر نخواهد بود. از این‌رو از این نکته به‌عنوان حربه‌ای برای جذب بیشتر مسلمانان می‌توان استفاده کرد. برای مثال، فرقه جماعت ربانی در ایران، تنها نمونه در کل دنیای اسلام است که بیشتر مؤمنان آن از مسلمانانی هستند که تغییر آیین داده‌اند. مؤمنانی که آزارها و فشارهای دولتی، ارباب، زندانی شدن و حتی کشته شدن را در این کشور تجربه کرده‌اند. در نیجریه (پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا) مسیحیان - که حدود یک‌سوم آن‌ها پنطیکاستی هستند - نیز به‌واسطه خشونت‌های مذهبی آزار دیده‌اند. از سال ۱۹۹۱م، صدها کلیسا به‌وسیله نظامیان مسلمان نابود شده و هزاران شبان و مؤمن کشته، سوزانده و حتی برخی نیز از کشور اخراج شده‌اند. با این حال، کلیساهای پنطیکاستی در نیجریه از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند. میسیونرهای نیجریه‌ای به فعالیت خود در میان ۴۶ میلیون مسلمان نیجریه‌ای ادامه دادند و توانستند بیشتر آنها را مسیحی کنند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۶۷).

پنج - به‌کارگیری جدی نشانه‌ها و شگفتی‌ها: از نگاه محقق پنطیکاستی، لیوینگ/استون «جنبش پنطیکاستی دنیای اسلام را نخواهد شکافت، مگر از طریق نشانه‌ها و شگفتی‌ها» (لیوینگستون، ۱۹۹۳، ص ۲۶). توجه به روح‌القدس و عطایای او، به‌ویژه استفاده از دعا، شفا و معجزات برای رهایی از ارواح شرور، ترس، تنهایی و مرگ، نیروی قدرتمندی برای جذب مسلمانان است (ر.ک: آر.ترنی، ۲۰۱۱، ص ۱۴۱). از طریق این نشانه‌ها و شگفتی‌هاست (signs & wonders) که می‌توان در برپایی جلسات خانگی، تشکیل کلیساهای خانگی و در نهایت، احداث کلیسا موفق شد (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۶۸).

در توضیح این قسمت باید اشاره کرد که در الهیات پنطیکاستی محوری‌ترین شخصیت، روح‌القدس است (اندرسون، ۲۰۰۴)؛ چراکه پنطیکاستی‌ها معتقدند، درست است که کلیسا توسط مسیح به‌وجود آمد، لیکن توسط روح‌القدس در روز پنطیکاست قدرت یافت و به‌سرعت به‌عنوان نیروی قدرتمند در سراسر جهان منتشر شد. از این‌رو پنطیکاستی‌ها بر این باورند که بیرون‌ریزی روح‌القدس (outpouring of the Holy Spirit) در روز پنطیکاست

(رویدادی که در اعمال رسولان ۲: ۴ گزارش شده است)، در واقع همان تبشیر روح‌القدس است و افرادی که در آن روز از روح‌القدس پر شده‌اند، اولین کلیسای مسیحی و اولین جامعهٔ میسیونری را تشکیل داده‌اند (میلر، ۲۰۰۵، ص ۲۲۹؛ اندرسون، ۲۰۰۴؛ همو، ۲۰۰۵). از این رو جنبش پنتیکاستی از زمان شکل‌گیری‌اش بر نقش بی‌بدیل روح‌القدس - به‌عنوان قدرت برانگیزاننده‌ای که در پشت تمام فعالیت‌های تبشیری است - و دریافت عطایای روح‌القدس که از آنها با عنوان نشانه‌ها و شگفتی‌ها نیز یاد می‌شود، تأکید می‌کرده است (اندرسون، ۲۰۱۳، ص ۲۰۶؛ همو، ۲۰۰۵).

در مجموع، در این بخش می‌توان به این نکته اشاره کرد که با وجود اشتراکاتی که در میان مسلمانان و پنتیکاستی‌ها وجود دارد، پنتیکاستی‌ها در مواجهه با دنیای اسلام از طریق تعامل و گفت‌وگوی مستقیم وارد نشدند و از راه‌های دیگر - رویکرد تهاجمی - به تبلیغ مسیحیت پنتیکاستی پرداخته‌اند.

۲-۳-۱. تعامل و هم‌گرایی با یهودیت

پنتیکاستی‌ها برخلاف سایر فرقه‌های مسیحی، رویکرد متفاوتی با یهودیان و رژیم صهیونیستی دارند. این نکته به‌دلیل توجه خاصی است که پنتیکاستی‌ها به کتاب مقدس دارند. عشق به کتاب مقدس ویژگی بارز پنتیکاستی‌های اولیه بوده است (هاوس، ۲۰۰۶، ص ۱۲). از نگاه آنها تجربهٔ روح‌القدس زندگی جدیدی برای هر مؤمنی که کتاب مقدس را می‌خواند، به‌همراه می‌آورد؛ زیرا تقریباً همهٔ نویسندگان عهد جدید یهودی بودند و عیسی در حقیقت ماشیح یهودیان بوده است. بنابراین فهم عیسی به معنای فهم متون مقدس یهودی و فهم اعمالی است که توسط یهودیان برای این روز قرار داده شده است. از این رو از نگاه یهودیان، خداوند همان کسی است که به‌واسطهٔ قدرت وافرش، بنی‌اسرائیل را از بردگی در مصر رهایی بخشید. پنتیکاستی‌ها نیز معتقدند که خداوند همان کسی است که به‌واسطهٔ خون پسرش، مردم را از بردگی گناه به‌واسطهٔ روح‌القدس نجات بخشید (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۷۱).

با توجه به اینکه پنتیکاستی‌های اولیه در پایین‌ترین سطح اجتماعی و شرایط اقتصادی بودند، درک سختی و فشارهایی که بر بنی‌اسرائیل و به‌تبع آن بر یهودیان گذشت، برای آنان بسیار ملموس بود. از این رو در سرودها و آهنگ‌هایی که برای بهره‌بردن از برکات روح‌القدس زمزمه می‌کردند، از واژه‌های متون مقدس، همانند مائدهٔ آسمانی، خون، ستون‌های آتش، یاد کنعان، اردن، صهیون و... استفاده می‌کردند (همان).

از آنجا که پنتیکاستی‌ها معتقد بودند که کتاب مقدس کلمهٔ خداست، تمام بخش‌های متون مقدس را بی‌همتا و بارزش می‌دانستند. برای مثال، جزئیات و اسایل و نشان‌های خیمهٔ مقدس برای مسیحیان امروز به‌عنوان نماد سبک زندگی مقدس، مطرح و مورد احترام است. در نتیجه، توجه و مطالعهٔ کتاب مقدس، یکی از مؤلفه‌های اصلی پنتیکاستی‌ها شده است (همان).

بازگشت یهودیان به قدس اشغالی و تشکیل حکومت یهودی در آنجا یکی از پیشگویی‌هایی است که در کتاب مقدس دربارهٔ روزهای آخر - قبل از بازگشت مسیح - آمده است. پنطیکاستی‌ها نیز که برای تشخیص نشانه‌های آخرالزمانی گوش‌به‌زنگ بودند، با توجه به این رویداد و مسائل دیگری از این قبیل که در کتاب مقدس آمده است، بازگشت قریب‌الوقوع مسیح را انتظار می‌کشند. همین نکات بر شدت توجه آنها به قدس اشغالی و بودن با یهودیان افزوده است (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۷۲).

از این رو پنطیکاستی‌ها در مواجهه با یهودیان، دو رویکرد عمده داشته‌اند: (همان، ۲۷۳)

۱. برخی معتقدند که بر مبنای متن مقدس، مسیحی‌سازی ابتدا باید از میان یهودیان آغاز شود (ر.ک: رومیان ۱: ۱۶)؛ چراکه آنها توانسته‌اند مردم خدا را بعد از آوارگی در زمین، دور هم گردآورند. از این رو انجیل مسیح باید برای آنها - همان‌گونه که برای دیگر غیرمؤمنان به اشتراک گذاشته می‌شود - تبلیغ گردد. تشکیل فرقه‌های پنطیکاستی صهیونیستی را می‌توان از مصادیق این نکته به‌شمار آورد.

۲. پنطیکاستی‌ها از طرق متعددی در صدد برآمدن تا اتحاد و به‌هم‌پیوستگی‌شان با یهودیان را اثبات کنند. برای نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ سفر به اسرائیل: بسیاری از پنطیکاستی‌ها هرچه دارند، هزینه می‌کنند تا به قدس اشغالی سفر کنند و جایی را که مسیح در آنجا به موعظه و تبلیغ می‌پرداخته، ببینند و به‌واسطهٔ این‌گونه مسافرت‌ها، حمایت‌شان را از یهودیان اعلام می‌کنند.

✓ برگزاری ششمین کنفرانس جهانی پنطیکاستی‌ها در سال ۱۹۶۱م در شهر اورشلیم.

✓ ایجاد سفارت‌خانهٔ بین‌المللی مسیحیان در اورشلیم: این مرکز به اموری همچون رفع نیازهای نیازمندان، فقرا، بیماران و مهاجران یهودی می‌پردازد.

✓ برگزاری بیست و پنجمین نشست سالانهٔ پنطیکاستی در سال ۲۰۰۴م، در خیمه‌های برپاشده توسط یهودیان، در ایام جشن‌های یهودیان.

۲. تحلیل و بررسی رویکردهای بین‌الادیانی پنطیکاستی‌ها

با توجه به نکاتی که گفته شد، اگر بخواهیم یک دسته‌بندی کلی از رویهٔ بین‌الادیانی پنطیکاستی‌ها در نحوهٔ تعامل با سایر فرقه‌ها و ادیان داشته باشیم، می‌توان آن را در موارد ذیل دسته‌بندی کرد:

۱-۲. تعامل و گفت‌وگو، نوع دوستی و محبت

نوع دوستی و محبت، کلیدواژه آیین مسیحیت است، پنطیکاستی‌ها با درک اهمیت این کلیدواژهٔ مسیحی، سعی می‌کنند تا از آن به بهترین نحو در جذب اقشار مختلف جوامع استفاده کنند. البته محبت پنطیکاستی بیشتر در میان اقشاری تأثیرگذار است که از مستضعفان جوامع، و نه متدینین راسخ در دین، محسوب می‌شوند؛ و مراد از

مستضعف، اعم است از مستضعف فکری و علمی - افراد کم‌سواد و بی‌سواد - (برگس، ۲۰۰۶، ص ۳۶)، مستضعف ایمانی - افراد سست‌ایمان - (اسمیت، ۱۹۹۸، ص ۲)، مستضعف جسمی - افراد معلول و بیمار - (واکر، ۲۰۱۰، ص ۱۲۰)، مستضعف اقتصادی - افراد فقیر و متوسط جامعه - (مک‌کلانگ، ۱۹۸۸). در کنار محبت، از دیگر روش‌هایی که پنطیکاستی‌ها در تبشیر از آن استفاده می‌کنند، تعامل و هم‌زیستی با ادیان دیگر - به‌ویژه یهودیت - و گفت‌وگو با گروه‌هایی همچون کاتولیک‌هاست. تعامل بالای پنطیکاستی‌ها و یهودیان، به سبب نقاط اشتراکی که میان آنها وجود دارد، عاملی شد تا پنطیکاستی‌ها در اورشلیم دفتر نمایندگی دایر کنند و همه‌ساله هزاران پنطیکاستی از سراسر جهان برای بازدید از ابنیه تاریخی اسرائیل، در قالب گروه‌های توریستی، به اسرائیل سفر کنند. از این رو تعامل در میان آنها سبب شده است تا یهودیان زیادی به پنطیکاستی‌ها پیوندند و با حفظ اصالت یهودی‌شان، پنطیکاستی نیز قلمداد شوند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۲۷۳).

۲-۲. تهاجم و تخاصم

از آنجایی که پیام نجات مسیح و آزادی در روح، شامل همه ملت‌ها می‌شود، پنطیکاستی‌ها به مناطق دوردست سفر می‌کنند تا مژده آزادی در روح را به گوش جهانیان برسانند. از این رو پنطیکاستی‌ها پس از ورود به منطقه‌ای که مؤمنان به دین خاصی در آنجا گرد آمده‌اند، اگر نتوانند با روش‌های معمول مسیحی، همانند محبت، یا روش‌های خاص پنطیکاستی‌ها، همانند سفادرامانی، آنها را به کیش خود بکشانند، با تخریب دین بومی مردم منطقه و ادعای اینکه این دین نقاط ضعف فراوانی دارد، به جذب نیروهای بومی آن منطقه می‌پردازند. البته بیشتر، افرادی جذب این جنبش می‌شوند که میزان تدینشان اندک است و هر آن احتمال لغزش آنها وجود دارد. شاهد بر این ماجرا، جذب کاتولیک‌هایی است که در منطقه آمریکای جنوبی می‌زیسته‌اند؛ افرادی که اهل کلیسا و جلسات روز یکشنبه نبودند و فقط چون پدر و مادری کاتولیک داشته‌اند، به آنها کاتولیک می‌گفتند (اسمیت، ۱۹۹۸، ص ۲؛ کاکس، ۲۰۰۱، ص ۱۶۸). این اقدامات پنطیکاستی‌ها سبب شد تا صدای اعتراض پاپ ژان پل دوم بلند شود و از اقدام پنطیکاستی‌ها در جذب افرادی که تقیدشان به امور دینی کم است، ابراز انزجار کند. امروزه نیز با وجود چندین نشست که به‌منظور تعامل و نزدیکی افکار میان کاتولیک‌ها و پنطیکاستی‌ها برگزار شده (ر.ک: جامبرک، ۲۰۰۸) و مفاد یکی از آنها جلوگیری از تبلیغ فرقه‌ای است، لیکن هنوز برخی فرقه‌های پنطیکاستی وجود دارند که به سراغ ایمان‌داران مسیحی سایر فرقه‌ها می‌روند تا آنها را به جنبش پنطیکاستی بکشانند (برگس، ۲۰۰۶، ص ۹۴۱؛ پلوس، ۲۰۱۴).

این اقدامات نسنجیده و بدون هماهنگی پنطیکاستی‌ها سبب شده است تا میسیونرهای پنطیکاستی در مناطق مختلف دنیا - به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و کشورهای مسلمان‌نشین - دستگیر شوند و به زندان بیفتند. پنطیکاستی‌ها نیز از این فرصت استفاده می‌کنند و با مظلوم‌نمایی، سعی در اثبات حقانیت خود دارند و همین امر منجر به جذب برخی از افراد به جنبش شده است (برگس، ۲۰۰۶، ص ۱۲-۱۰۱). در برخی موارد، به‌ویژه در برخورد

با مسلمانان، پنطیکاستی‌ها پا را فراتر نهاده‌اند و به تخریب و نقد اسلام، مخدوش نشان‌دادن چهرهٔ مسلمانان به‌عنوان بخشی از امپراتوری شیطان، دورغ بستن به آیات قرآن، ایجاد شبهه در اذهان مخاطبان نسبت به اسلام، شخصیت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام روی آورده‌اند و تنها راه نفوذ در دنیای اسلام را استفاده از نشانه‌ها و شگفتی‌ها معرفی می‌کنند (لیوینگستون، ۱۹۹۳، ص ۲۶).

۲-۳. ادعای تشکیل کلیسای جامع

درحالی که کتاب مقدس همه را به اتحاد در ایمان، به‌معنای اتحاد در حقیقت، دعوت می‌کند، رهبران نشست‌های وحدت مسیحیان افراد را به اتحادی فرامی‌خوانند که ایمان حقیقی به کلمهٔ خدا را نادیده می‌گیرد. ازاین‌رو پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها از همهٔ افراد و از همهٔ فرقه‌ها دعوت می‌کنند تا برای تجربهٔ عطایای معنوی روح‌القدس به این جلسات بیایند. در واقع، تجربهٔ محوری را عامل وحدت و اتحاد می‌دانند (دبلیو.کلود، ۲۰۱۲ الف، ص ۱۲۳).

ولی این امر دقیقاً عدم توجه به هشدارهایی است که مسیح دربارهٔ کلیسای دروغین در آخرالزمان داده است (فای، ۱۹۹۸، ص ۱۰۰). این گرایش بسیار خطرناک است؛ زیرا به‌بهانهٔ اتحاد، حقیقت را کنار نهاده، در نهایت کسی را که حقیقت است، به کنار خواهیم نهاد. مسیح بیرون از جنبش قرار خواهد گرفت. این همان چیزی است که در مکاشفهٔ ۳: ۲۰ پیشگویی شده است: «کنون در مقابل در ایستاده، در را می‌کوبم. هر که صدای مرا بشنود و در را بگشاید، داخل شده، با او دوستی دائمی برقرار خواهیم کرد، و او نیز با من». در این آیه، تصویری از وضعیت کلیسا در روزهای واپسین مطرح می‌کند. می‌بینیم که مسیح در مقابل کلیسا ایستاده است و در را می‌کوبد و تلاش می‌کند داخل شود؛ لیکن در آنجا اتاقی برای او نخواهد بود. آموزه و حقیقت مورد غفلت قرار گرفته‌اند. تجربه، ضابطه و معیار عضوگیری شده است و در نتیجه، دیگر ایمان به کتاب مقدس و مسیح ملاک مسیحی بودن نخواهد بود (اچ.پل، ۲۰۰۱، ص ۹۰؛ دبلیو.کلود، ۲۰۱۳، ص ۲۱).

البته این امر، هم از ناحیهٔ پروتستانی‌های اصیل و هم از ناحیهٔ کاتولیک‌های اصیل رد شده است؛ زیرا پروتستان‌ها اصالتاً کتاب‌مقدس‌محورند؛ ازاین‌رو کاریزماتیک‌ها و پنطیکاستی‌هایی را که تجربه را مهم‌تر از کتاب مقدس می‌دانند، طرد می‌کنند (دبلیو.کلود، ۲۰۱۲ ب، ص ۱۰۲) و کاتولیک‌هایی که به اصولی همچون کتاب مقدس، کلیسا، مریم مقدس، سنت و مسیح پایبندند، تجربه‌گرایی به این معنا را نمی‌پذیرند (همان، ص ۹۲). البته این نوع موضع‌گیری، دربارهٔ یهودیان و مسلمانان اصیل نیز صادق است.

نتیجه‌گیری

جنبش تبشیری پنطیکاستی که از پرطرفدارترین فرقه‌های مسیحی محسوب می‌شود، به‌انگیزه تشکیل کلیسای جامع مسیحی، به برقراری ارتباط و ایجاد تعامل و گفت‌وگو با سایر فرقه‌های مسیحی و به‌منظور تسریع در بازگشت قریب‌الوقوع مسیح، به تبشیر در میان سایر ادیان و جوامع روی آورد.

گرچه از ابتدای جنبش پنطیکاستی، کاتولیک‌ها تعامل چندانی با پنطیکاستی‌ها نداشته‌اند، لیکن پس از پنطیکاستی شدن صدها نفر از کاتولیک‌ها، آنان صلاح را بر این دیدند تا با پنطیکاستی‌ها نشست‌هایی برگزار کنند. از این رو تا کنون پنج دوره نشست میان آنها برگزار شد که در نهایت سبب شد تا کاتولیک‌ها پنطیکاستی‌ها را به رسمیت بشناسند و در کنار یکدیگر برای احداث کلیسای جامعی که تمام مسیحیان را زیر یک چتر گردهم آورد، همکاری‌هایی داشته باشند؛ لیکن بر مبنای کتاب مقدس، کلیسای جامعی که در آخرالزمان به‌وجود می‌آید، کلیسایی دروغین است و مسیح نسبت به آن هشدار می‌دهد.

اختلافاتی که کاتولیک‌ها با پنطیکاستی‌ها داشتند، در تعامل‌های اولیه پنطیکاستی‌ها و دیگر فرقه‌های مسیحی نیز وجود داشت؛ ولی به‌مرور، پنطیکاستی‌ها مورد قبول آن فرقه‌ها واقع شدند و امروزه در بسیاری از شکل‌های مسیحی حضور دارند.

رویکرد پنطیکاستی‌ها در تعامل با یهودیان، از هر دو طرف مثبت بوده؛ ولی تعامل آنها با مسلمانان، از همان اوایل ورودشان به ممالک اسلامی چالش‌برانگیز بوده است تا در نهایت به رویکرد تهاجمی - تخصیصی روی آوردند و با به‌کارگیری جدی نشانه‌ها و شگفتی‌ها، سعی در جذب مسلمانان دارند.

در پایان پیشنهاد می‌شود تا با بررسی بیشتر رابطه پنطیکاستی‌ها با کاتولیک‌ها و دیگر فرقه‌های تبشیری، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، دیگر نقاط قوت و همکاری آنان شناسایی شود و نیز نحوه مواجهه آنان با مسلمانان در چشم‌انداز پیش رو مورد دقت قرار گیرد تا بهتر بتوان درباره آنان دآوری کرد.

- Anderson, Allan, 2004, "Structures and Patterns in Pentecostal Mission." *Missionalia: Southern African Journal of Mission Studies*, 32, No. 2: 233-249.
- , 2005, "Towards a Pentecostal Missiology for the Majority World", *Asian Journal of Pentecostal Studies*, 8, No. 1: 29-47.
- , 2013, An Introduction to Pentecostalism: *Global Charismatic Christianity*, Cambridge University Press.
- Burgess, Stanley M. 2006, *Encyclopedia of Pentecostal and Charismatic Christianity*, Routledge.
- Cox, Harvey, 2001, *Fire from Heaven: The Rise of Pentecostal Spirituality and the Reshaping of Religion in the Twenty-First Century*, Da Capo Press.
- Fahy, Paul, 1998, *Origins of Pentecostalism and the Charismatic Movement*, Understanding Ministries.
- Gifford, Paul. 1992, "New Dimensions in African Christianity."
- H. Pohl, Alfred, 2001, *17 Reasons Why I Left the Tongues Movement*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- House, Sean David. 2006, *Pentecostal Contributions to Contemporary Christological Thought: A Synthesis with Ecumenical Views*.
- Jambrek, Stanko. 2008, "The Great Commission in the Context of the Evangelical Churches of Croatia in the Second Part of the Twentieth Century," *Kairos: Evangelical Journal of Theology*, 2, No. 2: 153-79.
- , 2016, "Unity and Fellowship of Christians from a Pentecostal Perspective." *Kairos: Evangelical Journal of Theology*, 2, No. 1: 61-78.
- Kärkkäinen, Veli-Matti. 2001, "Evangelization, Proselytism, and Common Witness: Roman Catholic—Pentecostal Dialogue on Mission, 1990–1997." *International Bulletin of Missionary Research*, 25, no. 1: 16-22.

- Liardon, Roberts. 2006, *The Azusa Street Revival: When the Fire Fell-an in-Depth Look at the People, Teachings, and Lessons*, Destiny Image Publishers.
- Livingstone, Greg. 1993, *Planting Churches in Muslim Cities: A Team Approach*, Baker Academic.
- McClung, L Grant. 1988, "Theology and Strategy of Pentecostal Missions." *International Bulletin of Missionary Research*, 12, no. 1: 2-6.
- Miller, Denzil R. 2005, *Empowered for Global Mission: A Missionary Look at the Book of Acts*, Life Publishers International USA.
- Plüss, Jean-Daniel, 2014, *Pentecostalism and Ecumenism of the Spirit*, 48th International Ecumenical Seminar, Strasbourg, France: July 2-9.
- R. Turney, Mark, 2011, *Proclaiming Pentecost: 100 Sermon Outlines on the Power of the Holy Spirit*, USA: AIA Publications.
- Rausch, Thomas P. 2010, "Catholics and Pentecostals: Troubled History, New Initiatives", *Theological Studies*, 71, no. 4: 926-50.
- Smith, Brian H. 1998, *Religious Politics in Latin America*, Pentecostal Vs. Catholic. Notre Dame UP.
- W. Cloud, David, 2012a, *Charismatic Confusion*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- , 2012b, *Tongues Speaking*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- , 2013, *World Council of Churches*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- Walker, Daniel Okyere. 2010, "The Pentecost Fire Is Burning: Models of Mission Activities in the Church of Pentecost", University of Birmingham.
- Warrington, Keith. 2009, "Cracked or Broken: Pentecostal Unity." Paper presented at the EPCRA conference.
- Wild-Wood, Emma, and Peniel Rajkumar. 2013, *Foundations for Mission*, Vol. 13: Wipf and Stock Publishers.

نوع مقاله: پژوهشی

ارزیابی تحلیلی روش کلیسای کاتولیک در بسط عدالت اجتماعی

reza.shaer@gmail.com

✉ محمدرضا اسدی / دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉
سیدعلی حسینی / دانشیار گروه ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉
دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

چکیده

کلیسای کاتولیک با ادعای اصالت، جامعیت و مرجعیت، توانسته است قلمرو اجتماعی وسیعی در جهان امروز برای خود تدارک ببیند. روش این کلیسا برای بسط عدالت اجتماعی چیست و این روش تا چه اندازه می‌تواند کارآمد تلقی شود؟ هدف این مقاله، یافتن ابعاد مثبت و منفی روش کلیسای کاتولیک در زمینه بسط عدالت اجتماعی از راه ارزیابی تحلیلی آن است. مقاله پیش‌رو با معرفی و ارزیابی روش کاتولیک در این زمینه، با شیوه توصیفی تحلیلی نشان خواهد داد که اگرچه ضرورت بسط عدالت اجتماعی در مسیحیت کاتولیک مورد توجه قرار گرفته و سنت کاتولیک، به‌ویژه از شورای واتیکانی دوم، گام‌های مثبتی برای کمک به برقراری عدالت اجتماعی برداشته است، اما وجود برخی چالش‌ها و فقدان دستوراتی مشخص در این فرقه مسیحی برای مبارزه عملی با ظلم‌های اجتماعی، ارائه نظامی منسجم و موفق برای اجرای عدالت اجتماعی را با مشکل مواجه کرده است.

کلیدواژه‌ها: ظلم، عدالت، عدالت اجتماعی، مسیحیت، کلیسای کاتولیک، بسط، روش.